



## بررسی تفاوت نگرش در باستان شناسی معاصر و باستان شناسی اسلامی

### پیرامون مبحث جنسیت

#### سمانه شیرخانی

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان شناسی اسلامی دانشگاه هنر اصفهان

#### چکیده:

از وجوه مختلفی می توان به واژه ی جنسیت نگریست. برخی تعاریف بر مفهوم فرهنگی آن و برخی بر مفهوم بیولوژیکی آن دلالت دارند. با بروز جنبش هایی نظیر فمینیست و نگاهی که این جریان های اجتماعی بر جنسیت اعمال داشتند، تاکید بیش تری بر تفاوت بین مردان و زنان صورت گرفت. همین عامل زمینه ساز ظهور شاخه ای جدید در باستان شناسی تحت عنوان (باستان شناسی جنسیت) شد. سوالات این پژوهش به قرار زیر اند:

۱- وجوه تمایز نگرش باستان شناسی معاصر و باستان شناسی اسلامی به مقوله ی جنسیت چیست؟

۲- چه عواملی در این تفاوت نگرش نسبت به باستان شناسی جنسیت دخیل هستند؟

هدف از انجام این پژوهش نمایش نقش پرننگ زمینه های اجتماعی در شکل گیری کنش های اجتماعی است. همچنین از دیگر اهداف این تحقیق نشان دادن نقش رویکرد اسلامی، تعریف خاص آن از جنسیت و تاثیر آن بر پژوهش های انجام شده در این حیطه و افق های پیش روی آن است. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، کتابخانه ای با روش تحقیق تحلیلی\_توصیفی و رویکردی کیفی است. در این راستا تلاش شده است با استفاده از منطقی غیرجهت گرا، به دیدی جامع پیرامون نگرش های موجود در این زمینه رسید. نگاه به جنسیت در باستان شناسی معلول پدیده های اجتماعی، انسان شناسانه و وابسته به ذهنیت جامعه و شرایط موجود در آن است و همین امر دلیل تمایز بین دو دیدگاه معاصر و اسلامی، در باستان شناسی جنسیت می باشد.

#### واژگان کلیدی:

مطالعات زنان، باستان شناسی جنسیت، باستان شناسی فمینیستی، باستان شناسی اسلامی.



Sponsored and indexed by  
**CIVILICA**  
We Respect the Science



**مقدمه:**

تقسیم کار اجتماعی بین زن و مرد و حقوق اجتماعی مترتب از آن در جامعه ی امروزی، ثمره ی جنبش های آزادی خواهانه و مرتبط با احقاق حقوق زنان در دوران معاصر است. نتایج حاصل از این جنبش ها، چندان هم زنان را در موضع قدرت و امنیت قرار نداد بلکه در برخی موارد شرایط آنان را برای انجام فعالیت های اجتماعی سخت تر کرد. باستان شناسی نیز به عنوان شاخه ای مرتبط با علوم اجتماعی و انسانی، تا حدی تحت تاثیر این جنبش های فمینیستی قرار گرفت. این که این جنبش های اجتماعی چه تاثیراتی به روی باستان شناسی و به طور خاص باستان شناسی اسلامی داشت، در این میان حائز اهمیت است.

بسیاری از محققین و پژوهشگران در این مورد تحقیقاتی انجام دادند و مراحل مختلف تکوین این جنبش و تاثیر آن به روی باستان شناسی را، مورد مطالعه قرار دادند. از آنجایی که اکثر این پژوهش ها توسط باستان شناسان و محققین غربی انجام شده، جای خالی مطالعه به روی باستان شناسی جنسیت از منظر باستان شناسی اسلامی بسیار احساس می شود. از این روی مطالعه و تحقیق در مورد باورها و ذهنیت جامعه اسلامی نسبت به زن و جایگاه اجتماعی وی و تاثیر آن بر روی جنسیت و باستان شناسی جنسیت، لازم به نظر می رسد.

در این مقاله تلاش خواهد شد که به بررسی دیدگاه حاکم در جامعه ی اسلامی پیرامون جنسیت و باستان شناسی جنسیت تحت آموزه های خاص اسلام در این جوامع پرداخته شود. بدیهی است که ذهنیات، پیرامون باستان شناسی جنسیت در جامعه اسلامی با جامعه ی غربی بسیار متفاوت خواهد بود چرا که مبانی اعتقادی این جوامع با یکدیگر بسیار متفاوت است. علت انتخاب این موضوع برای پرداختن به آن در قالب مقاله این است که در میان پژوهش های انجام شده در مورد باستان شناسی جنسیت، دیدگاه جامعی از منظر باستان شناسی اسلامی ارائه نشده است. در این مقاله تلاش شده با مطالعه پژوهش های پیشین که در قالب کتب و مقالات مختلف وجود دارد - به دیدگاه جامعی در مورد باستان شناسی جنسیت رسید و به وجه تمایز این پژوهش ها با نگرش اسلامی پیرامون این مبحث، پرداخت.

**فمینیست:**

جنسیت مفهومی است درباره ی نقش اجتماعی جنس های زیست شناختی زن و مرد. پژوهشگران از اصطلاح جنسیت سود می جویند تا بین مفهوم فرهنگی جنس و مفهوم جنس در زیست شناسی تمایز قائل شوند. با این حال، جنسیت فرهنگی و جنس زیست شناختی چه بسا با هم نقاط اشتراک داشته باشد یا حتی یکدیگر را بپوشانند. (دارک، ۱۳۸۷، ۱۳۳)

شاید بتوان ریشه ی ظهور فمینیسم اولیه را به تحولاتی چون رنسانس و تحولات بعد از عصر روشنگری و سپس انقلاب فرانسه و انقلاب صنعتی نسبت داد که مناسبات زن و اصطلاح فمینیسم یا فمینیست مرد را در بعضی یا تمامی جهات مورد سؤال قرار داد. این واژه تا اواخر قرن اخیر میلادی وارد نظام واژگانی نشده بود. پیش از این نیز بی عدالتی هایی در روابط بین زن و مرد وجود داشت، اما این بی عدالتی ها تا اواخر قرن نوزدهم میلادی باعث به وجود آمدن نهضتی اجتماعی و فراگیر نشده بود. پس از آن بود که زنان اولین آثار فمینیستی را در دهه ۱۹۶۰ میلادی نوشتند. (سجادی، ۱۳۸۴، ۲) فمینیست ها بر این باورند که (ذات گرایی بیولوژیک) - این نظریه که بیولوژی تعیین کننده ی ویژگی های مرد و زن است - اثبات نشده و به عنوان یک نظریه برای منافع زن و مرد در مقام فرد، زاینبار است. (گرت، ۱۳۸۳، ۱۸)

فمینیسم در واقع بخشی از یک رشته پژوهش درباره زنان است که به طور ضمنی یا رسمی نظام گسترده و عامی را درباره ویژگی های بنیادی زندگی اجتماعی و تجربه ی انسانی از چشم انداز یک زن ارائه می دهد. این نظریه از سه جهت متکی به زنان است، اول آن که در (موضوع) عمده تحقیق و نقطه ی شروع همه ی بررسی هایش موقعیت (یا موقعیت ها) و تجربه های زنان در جامعه است. دوم آن که این نظریه زنان را به عنوان

Sponsored and indexed by  
**CIVILICA**  
We Respect the Science



موضوع کانونی در فراگرد تحقیق در نظر می گیرد، یعنی در صدد آن است که جهان را از دیدگاه (یا دیدگاه های) متمایز زنان در جهان اجتماعی نگاه کند. سوم این که نظریه ی فمینیستی دیدگاه انتقادی و فعالانه ای به سود زنان دارد و در پی آن است که جهان بهتری برای زنان بسازد که به نظر آن ها بدین ترتیب جهان برای کل بشر نیز بهتر خواهد شد. (اسماعیلی، ۱۳۷۹، ۱۷۱)

به اعتقاد میچل و دیگران، جنبش آزادی زنان که در دهه ۱۹۶۰ میلادی در جوامع غربی به میان آمد، تا اندازه ی زیادی متعلق به طبقه ی متوسط بود. اهداف این جنبش را می توان چنین تعریف کرد: ایجاد آگاهی در میان زنان نسبت به نابرابری هایی که در گذشته و نیز هم اکنون محتمل می شوند، تضمین حقوق زنان در مقام فرد در تمام عرصه های اجتماعی، بهبود و اصلاح تصور زنان نسبت به خویش. (گرت، ۱۳۸۳، ۱۵۷)

در واقع آنچه که امروزه به عنوان موج فمینیست و با هدف تغییر روابط قدرت میان مردان و زنان، از آن یاد می شود، شامل سه موج اصلی است. «موج اول» موجی است که بین سال های ۱۸۸۰ تا ۱۹۲۰ میلادی از طریق زنان و با هدف رهایی عمومی ایشان از بی عدالتی های اجتماعی-سیاسی و به دست آوردن حقوق بیش تری در زمینه هایی چون: آموزش و پرورش، کسب حق رای و اشتغال به وجود آمد.

«موج دوم» که در اواخر دهه ی ۱۹۶۰ میلادی شاهد ظهور آن هستیم، بیش تر توجه خود را معطوف به رد تئوری مرد سالارانه ای که جامعه ی جهانی ارائه می نمود، کرد و در زمینه های شخصی تری همچون مسائل جنسی و تولید مثل و... وارد شد.

«موج سوم» که تا عصر حاضر نیز ادامه یافته، گواه تداخل با عناصر پست مدرن در جامعه ی بشری و احقاق حقوق زن به روش های فرهنگی و نمادین است. (Gilchrist، ۱۹۹۹، ۱)

در حیطه ی مرتبط با مسایل باستان شناختی نیز، فعالیت های این حزب در دهه های ۶۰-۸۰ میلادی، بر سه محور متمرکز بود:

- ۱- اعتراض به حذف زنان از تفاسیر باستان شناختی یا کم رنگ جلوه دادن نقش آن ها در جوامع گذشته.
- ۲- جستجوی مبنا و علت موقعیت فروتر و ضعیف زنان در اغلب جوامع و در طول تاریخ که آن را پیامد تقسیم کار اجتماعی می دانستند.
- ۳- اعتراض به موقعیت زنان باستان شناس در جوامع دانشگاهی، موقعیت های مدیریتی در مقایسه با مردان و اعمال تبعیض های جنسیتی در تخصیص بودجه های پژوهشی. (نیکنمای، هرسینی، دژم خوی، ۱۳۹۰، ۱۰)

در دهه ی ۱۹۶۰ میلادی علاوه بر باستان شناسی، علوم طبیعی و کاربردی نیز توسط فیلسوفان فمینیست در چندین سطح مورد بررسی قرار گرفتند. نگرانی های آن ها شامل این جریان می شد که زنان در بررسی های علمی تا حدی به حاشیه رانده شده بودند و اینکه سهم آن ها در تاریخ نادیده گرفته شده بود. تا پیش از آن همه ی روش های علمی و مطالعات به روی جنس مونث، فقط برای خدمت به اهداف جنسی، نژاد پرستانه و ضد همجنس انجام یافته بود. (Gilchrist، ۱۹۹۹، ۱۹)

در زمینه ی انجام مطالعات جنسیتی ادوار پیشین، زنان نروژی از همه جسورتر بودند. اولین جلسه ی عمومی این زنان در سال ۱۹۷۹ میلادی و در نروژ انجام یافت. هرچند که مجموعه مقالات این همایش تا سال ۱۹۸۷ میلادی منتشر نگردید. این کنفرانس تحت عنوان «مردان کجا بودند؟» توسط تعدادی از اجتماعات پیرو این مکتب فکری برگزار گردید و در پی آن جلسات دیگری در ایالات متحده آمریکا و همینطور کانادا و استرالیا، با شور و هیجانی مضاعف برگزار شد. (Nelson، ۲۰۱۵، ۹)

سازمان ملی زنان نیز در دوره ی دوم موج فمینیست، تشکیل شد و هدف عمده آن رفع تبعیض علیه زنان در قوانین و مقررات اجتماعی بود. شاخه لیبرال فمینیسم این جنبش، بر آزادی زن در کنترل بارداری، ایجاد مهد کودک های تمام وقت، نظام آموزشی مختلط، برابری برای زنان و مردان و رفع تبعیض های اجتماعی تأکید می نمود. (سجادی، ۱۳۸۴، ۳)

فمینیست ها با به کارگیری واژه های جنس و جنسیت، به تفاوت ویژگی های طبیعی و فرهنگی اشاره کردند. در نگاه آنان تفاوت های جنسی به تفاوت هایی با خاستگاه بیولوژیک، و تفاوت های جنسیتی به تفاوت هایی با خاستگاه فرهنگی و اجتماعی دلالت دارند. (زیبایی نژاد، ۱۳۸۸، ۲۵)



جنبش فمینیستی همچنین با انجام فعالیت‌های مرتبط با اقدامات فعالان حقوق سیاه‌پوستان در غرب، راه را برای تجدید نظر در مورد نژاد پرستی هموار نمود و تاثیر مثبتی در جامعه به عنوان یک کل واحد گذاشت. (Hooks, ۲۰۰۰، ۵۹) همچنین تغییرات عمیق اجتماعی در غرب در سده‌ی گذشته، الگوی سنتی تقسیم کار خانگی را تا حد زیادی دگرگون ساخت؛ تا آنجا که برخی محققان انگلیسی بر پایه‌ی مطالعات خود در دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی درباره‌ی اشتغال فزاینده‌ی زنان در بازار کار و مشارکت روزافزون مردان در کارهای خانگی نظر می‌دهند. (باستان، ۱۳۸۸، ۱۴۷)

در ادامه‌ی این فرآیند، موج دوم فمینیسم در دهه ۱۹۷۰ میلادی تاثیر مهمی به روی سیستم دانشگاهی آمریکا و غرب اروپا گذاشت که در نتیجه‌ی آن درهای جدید و بسیاری را به روی تحقیقات با محوریت زنان و حقوق آن‌ها گشود. با این حال باستان‌شناسی جزو آخرین رشته‌هایی بود که به این تغییرات روی خوش نشان داد و پذیرای آن شد. دلایل عدم تمایل این علم به گرایش فمینیستی به صورت نکته وار به شرح زیر اند:

۱- تسلط پرسش‌والی‌م افراطی در باستان‌شناسی انسان‌شناسانه از سال ۱۹۶۰ میلادی و اینکه این گرایش تنها به توصیف رفتارهای انسانی به عنوان بازتابی صرف از انطباق وی با شرایط اجتماعی و اقتصادی، می‌پرداخت.

۲- وجود یک سنت تاریخی - زبان‌شناسانه بسیار تاثیرگذار در باستان‌شناسی کلاسیک، که غالباً باوری غیر انتقادی را بر اساس شواهد مکتوب ادوار گذشته، بدون در نظر گرفتن تعصبات نویسندگان آن‌ها، به جامعه‌ی باستان‌شناسی آن دوره تحمیل می‌کرد.

۳- در زیر قرار دادن و دست کم گرفتن نمایندگان زنان در این حرفه، مخصوصاً در سطوح بالاتر. (Archaeology Feminism and Greek, ۲۵. تاریخ دسترسی: ۱۶/۵/۲۰۱۵)

در هنگامی که تمرکز بر محل تشکیل برگزاری جلسات سازمان دفاع از حقوق زنان پدید آمد، این موضوع نقشی حیاتی در پیچیده کردن و گسترش بحث‌ها پیرامون جنسیت در جوامع غیر غربی ایفا کرد. این مباحث بسیار فراتر از ثبت ساده انگارانه‌ی تاریخ و تسلیم در برابر نظام مردسالارانه‌ی آن زمان بود. یکی از اقداماتی که در این میان صورت پذیرفت تمرکز بر سازمان‌هایی بود که بورس‌های تحصیلی به زنان عرب و مسلمان خاورمیانه اعطا می‌کرد. چرا که این زنان همیشه به عنوان موجوداتی منفعل، اسیر سیستم مردسالارانه بوده‌اند. (Mahmood, ۲۰۰۷، ۶)

تفاوت‌های طبیعی زن و مرد و تفاوت موقعیت‌ها، نقش‌ها و حقوق آن‌ها، گرچه از دیرباز کانون توجه دانشوران بوده است اما در ۱۵۰ سال اخیر به یکی از موضوعات جذاب، پرتنش و اثرگذار تبدیل شده است. پیوند موضوع تفاوت‌ها با دو موضوع «نقش‌ها» و «حقوق» چنان مستحکم به نظر می‌رسید که اثبات یا تردید در طبیعی بودن تفاوت‌ها می‌توانست مقدمه‌ای اساسی برای اثبات یا نفی تمایز نقش‌ها و تفاوت حقوق باشد. (زیبایی نژاد، ۱۳۸۸، ۲۲)

اما این نکته باید همواره مد نظر باشد که مسائل مرتبط زنان، در ابعاد مختلفی مطرح است. مسائل زنان ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، خانوادگی و ... را در بر می‌گیرد که هر کدام از این ابعاد نیز یک مجموعه‌ی مرکب محسوب می‌شوند و با ابعاد دیگر رابطه‌ی متقابل و متعامد دارند. این منظومه‌ی روابط، در گذر زمان و در معبر نیازهای عصری نیز تغییر و تحولات خاصی داشته و به نوبه‌ی خود، مسائل جدیدتری را به وجود می‌آورد که می‌توان مطالبات و نیازهای جدید زنان از خود، مردان، جامعه، دولت، خانواده و نهادهای مدنی را در این راستا بررسی کرد. (باقری، ۱۳۸۹، ۲۳۴)

## باستان‌شناسی فمینیستی:

دیدگاه فمینیستی، فرضیه‌ای را که باستان‌شناسان بیش از سی سال مطرح می‌کردند، مورد نقد قرار داد. این فرضیه گویای این بود که مردان در بیش‌تر فعالیت‌های اجتماعی و آیینی حضوری فعال داشتند و اینکه حضور زنان در بسیاری از بخش‌های فعالیت‌های جاری جامعه بسیار ناچیز بوده است. این دیدگاه تفسیری کلیشه‌ای بود که در قرن نوزدهم میلادی، نسبت به باستان‌شناسی اعصار ما قبل تاریخ و اجتماع آن، اعمال می‌شد.



همچنین این دیدگاه در شکل گیری رابطه ی بین باستان شناسی و باستان شناسی جنسیت، بسیار موثر است. فمینیسم در آغاز، یک جنبش سیاسی بود که در فاز اولیه ی مطالعات جنسیتی در باستان شناسی، نقش بسیار مهمی ایفا کرد. این جنبش به حدی در این روند تاثیر گذار بود که برخی این مطالعات را باستان شناسی فمینیسم می نامند که بعد ها واژه ی متعادل تری همچون باستان شناسی جنسیت، جایگزین آن گردید. چرا که به نظر می رسد که مشکل بزرگ دیدگاه فمینیسم، گمراه کننده بودن آن است، بنابراین حوزه ی دخالت این جنبش در مطالعات باستان شناسی محدود شده و مطالعات جنسیتی در باستان شناسی جایگزین آن گردید. (Skogstrand, ۲۰۱۱, ۵۷-۵۸)

در اینجا بحث بر سر این نیست که چه اصطلاحی برای این حوزه از مطالعات، در باستان شناسی مناسب تر است. باستان شناسی فمینیستی و یا باستان شناسی جنسیت؟ مهم این است که با دیدگاهی همه جانبه به ارائه ی نظریه هایی معرفت شناختی و علمی در مورد حضور زن در جوامع باستانی پرداخته شود. در واقع باستان شناسی جنسیت شامل تمام مطالعات باستان شناسانه، با تمرکز بر جنسیت است. در نهایت اینکه باستان شناسی جنسیت بسیار عام تر و فراگیرتر از باستان شناسی فمینیسمی و در برگیرنده ی هر نوع نظریه ی فمینیستی در این باره است، ولی هر باستان شناسی جنسیتی لزوماً باستان شناسی فمینیستی نیست. (همان، ۲۰۱۱، ۵۹)

در مابین سال های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ میلادی برخی از منتقدان سازش ناپذیر، صریح و اثبات گرای باستان شناسی جدید، به تجزیه و تحلیل منافع باستان شناسی جنسیت و مفاهیم کلی آن و همچنین عینیت بخشی به آرمان های آن اقدام ورزیدند. در حدود اواخر دهه ی ۱۹۸۰ میلادی نیز انتقادات در مورد تبعیض جنسیتی در باستان شناسی رو به فزونی گذارد. در این زمان، بحث و گفتگو پیرامون مفاهیم اجتماعی-سیاسی و انتقادات از آن ها در این زمینه به شدت قطبی شده بود. (Wylie, ۱۹۹۷, ۸۵)

### پیدایش باستان شناسی جنسیت:

اولین پژوهش های باستان شناسی از مطالعات انسان شناسان بهره بردند و طراحی چهارچوب های مطالعاتی آن ها را مد نظر قرار دادند. مطالعات زنان از زمان ظهور آن تاکنون، تحولات متعددی را پشت سر گذاشته و از رویکردهای آغازین خود تا حد زیادی فاصله گرفته است. به طوری که چهارچوب نظری آن به مرور زمان بسط یافته و موضوعات مورد توجه آن نیز گسترش قابل توجهی یافته است. (نیکنما، هرسینی و دژم خوی، ۱۳۹۰، ۷)

اولین توجه به جنسیت در باستان شناسی نیز، بر مبنای نظریات فمینیست ها ایجاد گردید نه باستان شناسان. یکی از مفاهیم کلیدی که فمینیست ها همواره با آن در تعارض بودند مردسالاری بود. (Nelson, ۲۰۱۵, ۱۰) فمینیست ها در دهه های گذشته بسیار کوشیدند تا ثابت کنند ویژگی های روانی و رفتاری زن و مرد خاستگاه طبیعی نداشته و در تربیت و محیط ریشه دارند. اما بسیاری از پژوهش ها، به فرض عدم تردید در درستی یافته ها، بر تأثیر عوامل بیرونی دلالت می کردند نه بر نفی عوامل طبیعی. می توان با وجود پذیرش تفاوت های طبیعی، بر این باور صحت گذاشت که کم یا زیاد کردن قدرت تأثیر این تفاوت ها با روش های مختلف، چه تربیتی و محیطی و چه با تزریق هورمون ها، ممکن است. (زیبایی نژاد، ۱۳۸۸، ۲۶) در واقع هنگامی که باستان شناسان به زنان و نقش جنسیتی آن ها علاقمند شدند، برای اولین بار توجه عموم به وضعیت زنان در زمینه های مختلف، جلب گردید. تحریفات انجام شده توسط نژاد پرستی در این دوره حتی در حوزه ی انسان شناسی فرهنگی نیز معمول و مشهود بود که توسط انسان شناسان زن به آن پرداخته شد. (Nelson, ۲۰۱۵, ۳)

از منظر تئوریک اولین پژوهش های زنان در باستان شناسی بر پایه ی مطالعات جنس شناسی (sexology) شکل گرفت که بر نقش ویژگی های بیولوژیک جنسی در تعیین نقش و جایگاه افراد تأکید می نمودند. بر اساس این رویکرد، باستان شناسان زن مدعی بودند که زنان در جوامع گذشته نیز

Sponsored and indexed by  
**CIVILICA**  
We Respect the Science





مانند جوامع معاصر در شرایط دشواری می زیسته اند و در طول تاریخ همواره مورد بهره کشی و در موقعیت فروتری قرار داشته اند و نقش آن ها به تولید مثل و فعالیت در حوزه ی خصوصی تقلیل یافته بوده است. در واقع شرایط نامطلوب زنان در جوامع معاصر، پژوهشگران این حوزه را به سمت این پیش داوری سوق داد که در گذشته نیز زنان همواره موجوداتی زیر دست بوده اند. ( نیکنامی، هرسینی، دژم خوی ، ۱۳۹۰، ۹) در این زمینه مباحث مربوط به جنسیت غالباً در نوشته های پژوهشگران زن محور به چشم می خورد. این پژوهشگران بر این عقیده اند که باستان شناسی به طور اعم و باستان شناسی اجتماعی به طور اخص، به نقش زنان در گذشته توجه کافی نمی کنند و در برخی موارد الگوهای جوامع امروزی را در مورد نقش اجتماعی جنس های زیست شناختی به جوامع گذشته تعمیم می دهند. (دارک ، ۱۳۸۷، ۱۳۴)

باستان شناسی جنسیت نیز خالی از تنش بین احزاب و سوء تفاهم نیست. هر باستان شناسی که جنسیت در باستان شناسی را مورد تحقیق و کاوش قرار می دهد، آن را به گونه ای دلخواه خود تفسیر می کند و این بعضی از راه های ممکن برای مطالعه ی جنسیت در باستان شناسی را محدود می کند اما از طرف دیگر ممکن است امکانات جدیدی را در این راستا به ما معرفی کند. دیدگاه های نظری مختلف در هر زمینه ای، تا حدودی بر اساس تفاوت در مجموعه ی داده ها است. که این خود، به روی نتایج حاصل از پژوهش ها تاثیر می گذارد. ( Nelson, ۲۰۱۵، ۱۴)

باستان شناسی جنسیت بازتابی از مباحث گسترده ی مربوط به نقش زنان و طبقه بندی نقش جنس های زیست شناختی است که در علوم اجتماعی و هنرها جریان دارد. مطالعه کنندگان مباحث مربوط به جنسیت در باستان شناسی به دنبال آنند که اشیاء، سازه ها و گورهای را بیابند که به زنان مربوط می شده و از این رهگذر به بررسی موقعیت اجتماعی، شیوه ی امرار معاش و دیگر جنبه های « هویت اجتماعی» زنان در گذشته بپردازند. (دارک ، ۱۳۸۷، ۱۳۴)

از بدو پیدایش فمینیسم در باستان شناسی، تلاش برای توصیف زن و جنسیت وی در گذشته توسط این جنبش و پیروان آن آغاز گردید. تفاسیر باستان شناسانه ی مرسوم آن زمان از دوران پیش از تاریخ و زنان در آن دوره کاملاً زنان را نادیده می گرفت. بنابراین اولین چالش ها در این حوزه این بود که زن را به عنوان عنصری فعال در همان زمان و زمان آینده، به جامعه ی بشری نشان دهد. پژوهش های فمینیستی در این حیطه، در بدو امر بسیار کلی بود. اما آنچه که بعدها به عنوان یک ضرورت در این میان مطرح گردید، در نظر گرفتن جنسیت به عنوان یک فرآیند بود که باید به سایر ابعاد متفاوت آن بین دو جنس از قبیل نژاد، قومیت، طبقه، جنسیت و سن، در آن توجه نمود. (Engelstad, ۲۰۰۷، ۲۱۸) باستان شناسی جنسیت در وهله ی نخست تحت تاثیر موج دوم و سپس موج سوم جنبش های فمینیستی قرار داشت. در قبل از این زمان نیز روایت هایی از گذشته که در این دوران مطرح می گردید ، همگی بر تجربیات مردانه دلالت داشت. (تاریخ دسترسی: 2015/4/7، ۲۱، n.d.، Applications of Gender (Archaeology)

به باور دیرینه شناسان، بشر در دوره پارینه سنگی در اجتماعاتی زندگی می کرده است که براساس شکار حیوانات و گردآوری مواد غذایی سازمان یافته بودند. در آن اجتماعات، مردان بیش تر به شکار، و زنان به گردآوری میوه ها و سبزی ها و دانه های غلات می پرداختند. بنابراین فرضیه، زنان در دوره هایی از تاریخ در نقش نان آوری خانه نیز درگیر بوده اند، اما بدون شک در بسیاری دوره ها نیز، به ویژه پس از گسترش شهرنشینی، چنین نقش هایی را کم تر به عهده داشته اند و معمولاً به ایفای نقش هایی مانند انجام خدمات خانگی، حمایت عاطفی و مراقبت از دیگر اعضای خانواده به منزله نقش های اصلی می پرداخته اند؛ در حالی که نقش هایی همچون نان آوری خانواده، مدیریت و رهبری در خانواده و اجتماع اغلب بر عهده مردان بوده اند. بنابراین تفاوت نقش های مردان و زنان، هرچند در گذر تاریخ الگوی یکسان و ثابتی نداشته است و در نتیجه تغییرات اجتماعی، به ویژه تغییر مناسبات اقتصادی، در قالب الگوهای متفاوتی بروز می یافته، اصل آن همواره ثابت مانده است. (بستان، ۱۳۸۸، ۱۴۷)

مدارک و شواهد به دست آمده از یک کاوش زوایای گوناگونی از ساختار اجتماعی آن جامعه ی باستانی را در معرض دید قرار می دهند. مجموعه ی این آثار گویای تشکیلات اجتماعی و سیاسی جامعه، اقتصاد، تجارت، رقابت ها، روابط اجتماعی، جنگ، قدرت، پایگاه اجتماعی افراد و اطلاعات فراوان

Sponsored and indexed by  
**CIVILICA**  
We Respect the Science



دیگری هستند که چنانچه با استفاده از تکنیک ها و روش های پیشرفته باستان شناسی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند، می توان یک دوباره سازی از آن جامعه ی باستانی به دست آورد. (ولی پور، ۱۳۷۸، ۱۳)

دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی، زمان اوج گیری گسترده ی نهضت زن محوری در باستان شناسی بود. این نهضت آشکارا اهداف سیاسی داشت و در پی آن بود که نقش زنان را در گذشته و حال و رهیافت زنان را درباره ی مطالعه گذشته و پژوهش های باستان شناسی ارزیابی کند و تغییر دهد. دیدگاه ها و اهدافی که نویسندگان زن محور در باستان شناسی مطرح کرده اند تفاوت های فراوانی با یکدیگر دارد. برخی از این پژوهشگران در پی آن اند که نشان دهند در گذشته و در تمام جهان زنان تحت سلطه ی استثمار مردان بوده اند اما برخی دیگر اهداف مسالمت آمیزتری داشته و می خواهند زنان را بیش تر در بازسازی های باستان شناسانه از گذشته بشر دخیل کنند و تفسیرهای باستان شناختی و رشته ی باستان شناسی را از دیدگاه های منفی درباره ی زنان رهایی بخشند. (دارک، ۱۳۸۷، ۳۷)

در سال های اخیر نیز دیدگاه های جنسیت مدار، به دیگر بخش های باستان شناسی سرایت کرده است. بدین ترتیب، حتی باستان شناسانی که هوادار پروپا قرص زن محوری نیستند نیز این روزها در پرسش های پژوهشی خود به جنسیت و نقش زنان در گذشته توجه می کنند. البته باستان شناسانی هم هستند که از مباحث مربوط به جنسیت استقبال نمی کنند چرا که این باستان شناسان، زن محوران و جنسیت مداران را به تجزیه طلبی از باستان شناسی محکوم می کنند و اظهار می دارند که معتقدان به این دیدگاه ها بر نقش زنان در جامعه بیش از حد تاکید دارند و تلاش نمی کنند تا مطالعاتشان را در مورد زنان با خط مشی کلی باستان شناسی در زمینه ی مطالعه ی جامعه و فرهنگ هم راستا کنند. (دارک، ۱۳۸۷، ۱۳۴)

در ادبیات جامعه شناسی جنسیت، دامنه ی وسیعی از نظریات در مورد جنس، جنسیت، تقسیم کار جنسی در خانواده و شکل گیری جنسی زن و مرد وجود دارد. قلمرو های بسیار متنوع و چشم انداز های مختلف زیست شناختی، روان شناختی و جامعه شناختی به تبیین شکل گیری نقش های جنسیتی پرداخته اند و از دیدگاه جامعه شناسی زیستی، روان شناسی اجتماعی و جامعه شناسی صرف مباحثی بیان شده و حتی گاه نظریه های تلفیقی مانند (زیستی- اجتماعی) یا (روان شناختی- اجتماعی) و گاه نظریات تندتر و کلان تر همچون (طبقات جنسی) و (پدر سالاری) هم طرح شده است. (باقری، ۱۳۸۹، ۲۴۴)

باستان شناسی به عنوان یک رشته، ذاتا برای شیوه های فمینیستی مناسب است چرا که این بخش از باستان شناسی با ابهام زیادی رو به روست. باستان شناسی شاخه ای از علم است که اغلب در مورد همه ی مسائل زندگی روزمره که توسط مردان، زنان، کودکان و تمامی آحاد و اقشار جامعه انجام شده است، مطالعه می کند. ماهیت این بخش از باستان شناسی، که باستان شناسی جنسیت نامیده می شود، نمی تواند حضور زن را در ادوار گذشته نادیده انگارد. این بخش از باستان شناسی بسیار فراگیر است و نه تنها نظریات فمینیستی را در بر می گیرد بلکه شامل سایر بخش های باستان شناسی که به نوعی با جنسیت مرتبط هستند نیز، می باشد. (Conkey, ۲۰۰۷, ۳۰۶) اما برای باستان شناسی فمینیستی، جنس و جنسیت ساختارهای مبنایی جامعه نیستند، آن ها جنبه های یکپارچه ی ذهن ما و در نتیجه ی آن تاثیرات صریح و روشن آن ها هستند. تاکید قوی بر باستان شناسی فمینیستی، تنها به عنوان یک رویکرد فکری، بعدها منجر به شناسایی برخی تفاوت های مشخص بین جنسیت و باستان شناسی فمینیستی گردید. (Renfrew and Bahn, ۲۰۰۵, ۸۷)

مبانی فلسفی باستان شناسی فمینیستی در بخش هایی بسیار شبیه به باستان شناسی جنسیت است اما در بخش هایی صریح تر از نظریات معرفت شناختی فمینیست ها می باشد. هم چنین تا حدودی تنش های خفیفی بین باستان شناسی جنسیت و باستان شناسی فمینیستی وجود دارد. (Renfrew and Bahn, ۲۰۰۵, ۸۸) علاوه بر باستان شناسی، تاثیر و بازتابی که مطالعات فمینیستی به روی جنسیت داشته در بسیاری از رشته های دانشگاهی دیده می شود که این بسیار شگفت انگیز است. (Claassen, ۲۰۱۵, ۶)





برای برخی باستان شناسان نگاه به گذشته ی زنان و همچنین مدیریت روش هایی که به موجب آن بتوان در این مورد تصمیم گرفت، کاری متداول است. هدف باستان شناسان فمینیست از کاوش در گذشته این است که به روابط اجتماعی بین افراد با گروه های اجتماعی مختلف، سنین متفاوت، جنسیت، وضعیت، شغل، طبقه و قومیت متفاوت پی برده و روش هایی اتخاذ کنند که بتواند به احیا هرچه بیش تر نقش زنان در جامعه بیانجامد. (Claassen, ۲۰۱۵، ۵)

در حال حاضر باستان شناسان جنسیت به طور فزاینده ای نگران ارتباطات ما در جامعه مدرن و تاثیر آن به روی مخاطبان این حیطه و نسل های آینده هستند. آن ها همچنین در تلاش اند تا با فراهم کردن دیدی جامع در افراد، زمینه ی تصمیم گیری صحیح در مورد جایگاه زن در جوامع پیشین را فراهم کنند. (Claassen, ۲۰۱۵، ۶)

در نهایت می توان به این نکته اشاره کرد که روند گسترش اصطلاح جنسیت به طور خاص از اروپا آغاز گردید و سپس در برخی کشورهای دیگر، نهادها و سازمان های بین المللی همچون سازمان جهانی کار و بانکداری نوین، برای توصیف رویکرد جدید دستیابی به برابری جنسیتی مورد استفاده قرار گرفت. به لحاظ نظری جریان سازی جنسیتی و تجزیه و تحلیل آن، منعکس کننده ی تعهدی است که در راستای نهادینه کردن برابری جنسیتی در همه ی سازمان ها و جوامع صورت می گیرد. (Bacchi & Eveline, ۲۰۱۰، ۶۵)

### موضوع و هدف باستان شناسی جنسیت:

جستجو برای یافتن شواهد و اطلاعات جنسیتی در باستان شناسی گذشته، از جمله جستجوی نقش های جنسیتی، ایدئولوژی جنسیتی، هویت جنسیتی و بسیاری از جنبه های دیگر جنسیت، به بخشی جدایی ناپذیر در بسیاری از شاخه های نظری باستان شناسی تبدیل شده است. (Nelson, ۲۰۱۵، ۱) باستان شناسی جنسیت لزوماً مقوله ای نیست که منحصرًا مرتبط با جریان های فمینیستی باشد بلکه ممکن است به همان اندازه نیز با جریان های مردسالارانه در ارتباط باشد و چه بسا بسیاری از مطالعات انجام شده در این زمینه توسط قشر مردان، صورت پذیرفته باشد. (Gilchrist, ۱۹۹۹، ۴۹)

برخی از مردم بر این باورند که مقوله ی جنسیت یک موضوع جدید در باستان شناسی است، اما در واقع جنسیت همواره در این علم وجود داشته است. کتاب ها و مقالاتی که عناوینی مرتبط با موضوعاتی نظیر تکامل انسان، مرد شکارچی، انسان مخترع، زنان و نقش آن ها در نگهداری از بچه، آشپزی و جمع آوری گیاهان، این نظریه را رد می کند. چرا که قبل قرون اخیر نیز به این مقوله پرداخته شده است. (Claassen, ۲۰۱۵، ۶) شاید باستان شناسی جنسیت را بتوان در شاخه ی باستان شناسی اجتماعی گنجاند. آنچه به عنوان باستان شناسی اجتماعی مصطلح شده، بازسازی و ترسیم دوباره روابط و روش های اجتماعی گذشته است. ریشه های باستان شناسی اجتماعی در باستان شناسی تاریخی امتداد و توسعه یافته است. عناصر اصلی آن تازه نیستند و پیش تر نیز به گونه های مختلفی مورد بحث بوده اند. (ولی پور، ۱۳۷۸، ۱۴) جامعه شناسی نیز از تفاوت های جنسی بیولوژیک، برای توضیح دادن و مشروعیت بخشیدن به تقسیم کار جنسی در خانواده و جامعه سود برده شده است. (گرت، ۱۳۸۳، ۱۵)

این شاخه از باستان شناسی ثابت کرد که تصورات از زن به عنوان یک موجود ساکت و منزوی و دارای تفاوت ذاتی با مرد، یک خیال واهی است و این خود مدیون جنبش های فمینیستی و میراث ناشی از رویکرد آن است که به نوعی توجه جامعه ی جهانی را به تعریف اجتماعی زن و فرهنگ جنسیتی وی معطوف کرد. همچنین این جریان، زمینه ی مناسبی را برای بیان نظریات جدید در این زمینه فراهم ساخت. (Gilchrist, ۱۹۹۹، ۴۹) مورد جدیدی که در این نوع از باستان شناسی مطرح است نشان دادن ابهام های موجود در مورد جنسیت، آزمودن نظریات در این زمینه، توسعه ی فرضیات و رفع مشکلات پژوهشی در این زمینه است. (Claassen, ۲۰۱۵، ۶) در واقع هدف از اولین مطالعات در این حوزه، ایجاد یک چهار چوب





میان فرهنگی بود که بتواند شناسایی گسترده ای از جنسیت بر اساس مدل قوم نگاری داشته باشد. تعریفی که در حال حاضر از جنسیت متداول است، با تعریف اولیه ی آن در این علم کاملا متفاوت است و در حال حاضر تعمیم دادن واژه ی میان فرهنگی به جنسیت، چندان درست به نظر نمی رسد. ( Gilchrist, ۱۹۹۹, ۲۹)

### نگرش اسلام به جایگاه و حقوق زن در اجتماع:

اولین موج های جنبش حقوق بشر در قرون هفدهم و هجدهم میلادی آغاز شد و نویسندگان و متفکرانی همچون ژان ژاک روسو، ولتر و مونتسکیو به ارائه ی نظریاتی در این زمینه پرداختند. از سال ۱۶۸۸ میلادی به بعد نیز، بیانیه هایی در زمینه ی برخورداری انسان ها از حقوق اجتماعی و سیاسی صادر گردید. در یکی از این بیانیه ها چنین آمده است که همه ی انسان ها - از حیث اینکه توسط خالق یکسان خلق شده اند - با یکدیگر برابر و مساوی هستند و آزادی، رفاه و هم چنین تامین نیازهای حقوقی آن ها به عهده ی دولت است و دولت مکلف به کسب رضایت عمومی می باشد. این همان چیزی است که هزار و صد سال قبل از آن، توسط اسلام مطرح گردیده بود، یعنی تاکید بر مساوات در خلقت. (Motahhari, ۱۹۹۸, ۱۳۲-۱۳۳)

یکی از موارد کاربردی که می تواند تمایز جایگاه زن در جامعه ی اسلامی را نسبت به دیدگاه غربی نشان دهد، این است که در جامعه ی اسلامی، زن پس از ازدواج نیز نام خانوادگی پیش از ازدواج خود را داراست در صورتی که در غرب، نام خانوادگی زن پس از ازدواج وی با مرد مورد نظرش، تغییر کرده و همانند نام خانوادگی وی می شود. مورد دوم این است که در اسلام زن و مرد دارای حق مالکیت برابر هستند. مورد دیگری که می توان به آن اشاره کرد، این است که زنان نیز می توانند در کنار مردان به اشتغال بپردازند و کسب درآمد داشته باشند و این درآمد را به دلخواه خویش به مصرف درآورند چرا که از نظر اسلام مرد موظف به تامین نیازهایی مادی زن و پرداخت هزینه های زندگی وی است. (AlKhayat, ۲۰۰۳, ۹) در واقع در جامعه ی اسلامی، اشتغال برای زن، یک امتیاز محسوب می شود نه وظیفه مضافا بر اینکه، اوست که برچگونگی صرف درآمد خویش، مدیریت می کند نه هیچ شخص دیگری. (Al Khayat, ۲۰۰۳, ۱۱)

از طرفی دیگر نگرش اسلام به زن و تنظیم حقوق او و این که حیثیت وی جنبه حق الله دارند نه حق الناس و هتک حرمت او برای احدی روا نیست و همگان موظف به پاسداری از مقام زن هستند، در خلال احکام دینی مشهود است. مثلا اگر کسی به حیثیت وی تجاوز کرده و ناموس او را هتک کند، باید حد زده شود و هیچ چیزی مایه سقوط حد زنی نیست نه رضایت همسر و نه رضایت خود زن، زیرا ناموس او جنبه حق الله دارد و نظیر مال نیست که اگر به سرقت رفت و مسروق منه رضایت داد، حد ساقط گردد. تمدن غرب یا شرق مادیرا ناموس زن را همچون کالا می دانند لذا با تراضی زن یا رضایت همسر، متهم تبرئه می شود و پرونده مختوم اعلام می گردد، نظیر آنچه در جاهلیت کهن رواج داشت، ولی با آمدن دین حنیف اسلام نه جا برای جاهلیت جدید است و نه مجال برای جاهلیت قدیم. (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ۲۹)

بنابراین دین اسلام به عنوان کامل ترین دین، به ابعاد گسترده ای از نیازهای وجودی زن توجه کرده است. نیاز جامعه و به طور اخص مرد به زن، نیازی فطری است که از بدو خلقت در او قرار داده شده است. پاسخگو بودن زن به نیاز و توجه مرد، وی را از منظر قدر و منزلت در جایگاه بالایی قرار داده است. این ابراز نیاز از طرف مرد و پاسخگویی آن از طرف زن، به احترام زن در جامعه انجامیده که به نوعی مکمل ضعف جسمانی وی در برابر قدرت فیزیکی مرد است. (Motahhari, ۱۹۹۸, ۱۷)

قرآن که حاوی مبانی اسلامی است در اکثر مواقع به بیان کلیاتی در زمینه هایی گوناگون همچون: اسرار آفرینش، گیاهان، حیوانات، انسان، راز زندگی و مرگ، ثروت و فقر و ... بسنده کرده است. تنها در سه موضوع اساسی است که قرآن به صراحت در مورد آن صحبت کرده است؛ که این سه مورد جهان، انسان و جامعه هستند. اشاره به زن و حقوق آن نیز در داخل همین دایره می گنجد. آورده شدن سوره ای در رابطه با زنان و به همین نام

Sponsored and indexed by  
**CIVILICA**  
We Respect the Science



و پیرامون حقوق اجتماعی آن‌ها، دلیلی بر این مدعاست. (Motahhari, ۱۹۹۸, ۱۱۸) اسلام حقوقی کلان تر و اساسی تر از موارد یاد شده راه، برای زن قائل بوده است که از آن جمله می‌توان به حق مالکیت مستقل از همسر، پدر یا برادر اشاره کرد که این حق شامل مسایل اقتصادی همچون خرید و فروش و یا اجاره‌ی اموال نیز می‌شده است و این مساله هیچ ربطی به وضعیت تاهل وی نداشته و وی در دوران مجرد خویش نیز می‌توانسته در مورد دارایی و مایملک خویش اگر که بر وی سپرده شده بودند تصمیم‌گیری کند. علاوه بر مواردی که به آن‌ها اشاره گردید، تاکید بر نقش مادری و همسری زن به عنوان مهم‌ترین عامل دخیل در تربیت نسل‌های آینده، برای اولین بار توسط اسلام صورت گرفت. (Badawi, ۲۰۱۴, ۱۴)

قرآن حتی با دو دیدگاه موهنی که نسبت به زن در کتب مقدس سایر ادیان وجود داشته است نیز، به تقابل پرداخته و دست به روشنگری زده است. اول اینکه زن از جنسی پایین تر و نازل تر نسبت به مرد خلق شده و دوم اینکه زن را عامل و منشاء گناه دانسته‌اند. قرآن هردوی این موارد را نفی کرده است. (Motahhari, ۱۹۹۸, ۱۱۹) اما باید اذعان کرد که بیش‌ترین اهمیت بحث تفاوت‌ها، هم در حوزه‌های مطالعات اسلامی و هم در اندیشه‌های فمینیستی، در مقام دفاع از عقلانیت تفاوت‌های حقوقی، تمایز نقش‌ها و جنسیتی شدن تعلیم و تربیت است و همین سه محور در دو قرن گذشته موضوع بحث‌هایی جدی میان اندیشه‌وران این حوزه بوده است. (زیبایی نژاد، ۱۳۸۸، ۲۲)

اسلام به برابری واقعی زن و مرد تاکید می‌کند و حتی در حدیثی نبوی از پیامبر اسلام چنین آمده است که: (زنان، خواهران دینی مردان امت هستند). این حدیث در واقع بیانگر رابطه‌ی سالم زن و مرد با یکدیگر بر مبنای برادری و برابری است، نه نزاع و مبارزه. درست برعکس آنچه که در نهضت‌های فمینیستی شاهد آنیم. (Al Khayat, ۲۰۰۳, ۱۲) احادیث مکتوبی که پیرامون برابری جنسیتی وجود دارند، غالباً نبوی هستند و توسط برخی از مفسرین، ویرایش‌های گوناگون یافته و از صورت اصلی خود فاصله گرفته‌اند. علاوه بر این تفسیرهای متنوعی که از این احادیث وجود دارد تا حد زیادی متاثر از تاثیرات فرهنگی و منطقه‌ای است. (Badawi, ۲۰۱۴, ۱۱) با این حال این احادیث به کلیتی واحد اشاره می‌کنند که همان اصل برابری و مساوات است. حتی در برخی احادیث زن نسبت به مرد اولی تر است به طور مثال حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) در رساله حقوق که لزوم رعایت حقوق ارحام را به مقدار پیوستگی و قرابت به رحم بیان فرموده است، اولین حق را در نظام خانوادگی به مادر داده، آنگاه از حق پدر سخن به میان آورده است (و حقوق رحمک کثیره متصله بقدر اتصال الرحم فی القرابه؛ فأوجبها علیک حق أمک ثم حق أبیک، ثم حق ولدک، ثم حق أخیک، ثم الأقرب فالأقرب) (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ۲۳) در واقع این نکته در مبانی اسلامی حائز اهمیت است که این قواعد قابلیت انطباق با هر شرایط زمانی و اجتماعی، را دارا هستند و متناسب با آن شرایط، راهکارهایی برای بهبود دیدگاه‌های آن جامعه ارائه می‌دهد. (Motahhari, ۱۹۹۸, ۹۹)

### بحث و تحلیل پیرامون باستان شناسی اسلامی و خط مشی آن نسبت به جنسیت:

همانطور که گفته شد، ریشه‌ی آزادی‌های مرتبط با زن و حقوق اجتماعی وی را باید در هزار و چهارصد سال پیش جست و جو کرد. بزرگترین خدمت به جنس زن و بیرون آوردن وی از تسلط و مالکیت پدران و مردان با ورود اسلام به ساختار فکری و اندیشه‌ای چهارده قرن پیش، صورت گرفت. در واقع جنبش‌های فمینیستی قرون اخیر، ادامه‌ی جنبش آزادی‌بخشی است که در چهارده قرن پیش توسط اسلام، آغاز شد که در حال حاضر صورتی افراطی به خود گرفته است. گرچه هر دوی این موج‌های آزادی‌بخش، به دنبال آزادی و استقلال زنان هستند، اما مصادیق این دو مهم، و همچنین راه‌های وصول به آن‌ها، برای هریک از این جنبش‌ها، متفاوت است و در واقع همین تفاوت ایده‌آل‌ها و آرمان‌هاست که موجب تفاوت در آزادی‌های ناشی از آن‌ها می‌شود. (Motahhari, ۱۹۹۸, ۶۵) آزادی در غرب به معنی آزادی در روابط است که متعاقب آن سست شدن بنیان خانواده وجود دارد. اما اسلام آزادی زن را در حفظ شئون وی می‌بیند. بنابراین اگر چه محدودیت‌های اجتماعی را برای وی در نظر می‌گیرد، با این حال به نقش وی در تحکیم خانواده و تربیت فرزندان تاکید می‌ورزد.





دیگر تمایز این دو دیدگاه این است که، اسلام در جامعه ای پای گرفت که زنان در آن از حداقل آزادی نیز برخوردار نبودند و آزادی های لحاظ شده در این دین، به نسبت زمان خویش دارای نوآوری و خلاقیت بیش تری بوده است. وجه بعدی تمایز آزادی زنان در اسلام و غرب معاصر و فمینیستی، این است که در کنار محفوظ دانستن حق آزادی و استقلال برای فردیت زن، هیچ گاه دو جنس مونث و مذکر در برابر یکدیگر قرار نگرفته اند و ذهنیتی بدبینانه نسبت به هم نداشته اند. در واقع آزادی های این جنبش، خالص و بر اساس ماهیت زن و نیاز وی در جامعه بوده است. ( Motahhari, ۱۹۹۸, ۶۵)

تصویری که جهان غرب از زنان کشورهای در حال توسعه و جهان سوم و به طور خاص از زنان مسلمان دارد، بسیار شماتیک و متعصبانه است. با بروز موج های نژاد پرستانه در ازمنه اخیر نیز، این ذهنیت و نگرش نسبت شدیدتر نیز شده و زن مسلمان به عنوان فردی مطیع، ستم دیده و عقب مانده مطرح می شود. (Darvishpour, ۲۰۰۳, ۲)

فمینیست امروزی به عنوان یک ایدئولوژی، سیاست و جنبشی اجتماعی، رابطه ی تنگاتنگی با سکولاریسم دارد. از این روی تعجب آور نیست که بسیاری از فمینیست های سکولار، اسلام را حریفی بزرگ برای جنبش های فمینیستی می دانند. (Darvishpour, ۲۰۰۳, ۴)

از طرفی فمینیست های اسلامی نقش زنان را در محدوده ی اسلام، کاملاً تبیین شده دانسته و نابرابری های موجود در جامعه را سوءتعبیر از این دین آسمانی تلقی می کنند. همچنین به فمینیست های سکولار نیز بیشتر به عنوان عامل نفوذ غربی نگاه کرده و آن را یک عامل تهدید توسط غرب می دانند. فمینیست ها نیز از طرف دیگر معتقد هستند که نظام مرد سالارانه و انطباط منبعث از آن دلیل وضعیت فعلی زنان مسلمان در کشور های اسلامی است. حال آنکه اگر دستورات صریح اسلام و احترامی که آن برای زنان و شرایط اجتماعی آنان قایل است، در جامعه مستولی شود، بازسازی صحیحی از هنجار های فرهنگی- اجتماعی موجود در آن صورت خواهد پذیرفت و به بهبود شرایط زنان در جامعه کمک شایانی خواهد کرد. (Whitcher, ۲۰۰۵, ۴۳)

بررسی جایگاه زن از منظر باستان شناسی اسلامی، به دو شاخه ی اصلی تقسیم می شود. شاخه ی نخست، به بررسی وضعیت زنان از نخستین سال های دوران اسلامی تا به ازمنه ی اخیر می پردازد. دومین شاخه نیز وضعیت زنان در حوزه های پژوهشی باستان شناسی اسلامی، را مورد بررسی قرار می دهد.

در شاخه ی نخست، مسیر بررسی وضعیت حقوقی و اجتماعی زنان در دوران اسلامی، از رهگذر بررسی های پیرامون ارزش های موجود در جامعه ی اسلامی قابل پیگیری است. بنابراین اولین قدم در بررسی این موضوع آشنایی با حقوق اجتماعی زن است که توسط اسلام در جامعه نهادینه شده است. گر چه حضور زنان در ادوار گذشته - به دلیل برخی ملاحظات دینی و مذهبی - چندان پررنگ نبوده، با این حال می توان با مطالعه ی منابع مکتوب دست اول تاریخی تا حدی بر موقعیت زنان در جامعه اسلامی اشراف پیدا کرد. سایر اطلاعات ملموس تر نظیر نوع پوشش، بخشی از فعالیت های زنان در خانواده و یا جامعه، محل اسکان و وضعیت مالی آن ها را نیز می توان با مطالعه ی اشیاء و آثار باقی مانده از گذشته همچون نقوش تزیینی تجسم یافته به روی ظروف، منسوجات و... دریافت.

آغاز باستان شناسی اسلامی در ایران را می توان حفاری های انجام شده در دهه ی ۱۹۶۰ میلادی دانست. به رغم همه ی تلاش هایی که در این زمینه توسط هیئت های باستان شناسی خارجی و داخلی صورت گرفته، می توان به طور خلاصه اینطور اذعان کرد که مطالعه ی هنر و باستان شناسی اسلامی در ایران بسیار بدوی و توسعه نیافته است. دستاورد های این بخش از مطالعات باستان شناسانه به هیچ وجه با مطالعات دوران های پیش از تاریخی و تاریخی قابل قیاس نیست. (Niknami, ۱۹۹۹, ۳۷) بنابراین چندان نمی توان انتظار داشت که کارهای پژوهشی تخصصی در زمینه هایی همچون جنسیت از منظر اسلامی انجام یافته باشد چرا که مسایل کلان تری از این مبحث نیز در عرضه های پژوهشی، تا حدی محجور واقع شده اند. منظور از پژوهش در اینجا، ارائه ی نظریه و فرضیات در مباحث کلان است. در غیر این صورت در حوزه ی مسایل جزئی و حیطه ی مطالعات تطبیقی،



کارهای بسیار کامل و جامعی صورت پذیرفته است. حتی می توان گفت که در حوزه ی باستان شناسی اسلامی با توجه به کثرت آثار یافت شده و همچنین سالم ماندن آن ها به دلیل نزدیک بودن به دوران معاصر، کار بیشتری نسبت به دوران پیش از تاریخ و تاریخی انجام شده و یا حداقل دارای نتایج متقن تری نسبت به آن ها بوده است.

دومین شاخه ی بررسی جایگاه زن از منظر باستان شناسی اسلامی، بررسی وضعیت و جایگاه زنان در حوزه های پژوهشی باستان شناسی و به طور خاص باستان شناسی اسلامی است. مخاطرات بسیاری این حوزه از فعالیت های زنان را تهدید می کند. انجام هرگونه کار پژوهشی در رشته ی باستان شناسی، نیازمند انجام فعالیت های میدانی است. چرا که بدون انجام این قسم فعالیت ها نمی توان به نظری قطعی پیرامون سوالات موجود، رسید. احتمال تک جنسیتی شدن رشته ی باستان شناسی (خبرگزاری میراث فرهنگی ۹۱/۵/۲۴)، حذف زنان از انجام پژوهش های میدانی و کاوش های باستان شناسانه و عدم حضور زنان در تصمیم گیری های کلان و اساسی در حوزه ی میراث فرهنگی از جمله خطراتی است که همواره موقعیت زنان در حوزه ی باستان شناسی را به مخاطره می اندازد.

### نتیجه گیری:

زمینه های اجتماعی نقش مهمی در کنش های موجود در آن جامعه دارند و این در همه ی زمینه ها صدق می کند. حکومت اسلامی بر اساس مبانی اسلامی شکل می گیرد. بنابراین دیدگاه حاکم بر جامعه پیرامون مسایل مختلف از جمله جنسیت نیز ملهم از مبانی اسلامی است. ارج و منزلتی که اسلام برای زن قایل شده است، کاملاً متفاوت با نگرش جامعه ی غربی نسبت به موقعیت زنان در جامعه ی اسلامی است. آشنایی با ذهنیت حاکم بر جامعه و ارزش های آن، ما را به فهم دقیقی از هنجارهای آن جامعه می رساند. نکته ی مهم این است که موارد خلاف ارزش های جامعه، هنجار نیستند و جزء موارد استثناء محسوب می شوند اما گاهی چنان در جامعه پررنگ جلوه می کنند که به نوعی جای ارزش ها را می گیرند.

از آنجایی که هیچ پژوهشی خالی از اشکال نیست، انجام این پژوهش نیز با محدودیت هایی رو به رو بود که سبب بروز عدم نتیجه گیری متقن از فرآیند پژوهش می شد. باستان شناسی نیز مانند سایر علوم انسانی، تا حدی مورد محجوریت واقع شده است. رکود در عرصه ی کاوش ها و حفاری های مرتبط با سایت ها و محوطه های باستانی و تاریخی، منجر به رکود در عرصه ی پژوهش گردیده است و تا مادامی که پژوهش های دقیقی پیرامون مباحث تئوریک باستان شناسی صورت نگیرد، ارائه ی نظریات قطعی در این زمینه کمی دشوار می نماید. در میان گرایش های مختلف باستان شناسی به ندرت کاری در خور، پیرامون باستان شناسی جنسیت از منظر باستان شناسی اسلامی انجام شده و می توان گفت که پژوهش پیش رو جزء نخستین کارهای انجام شده در این زمینه است.

به نظر می رسد ایران\_ که به عنوان کشوری بزرگ در عرصه ی سیاست های اسلامی در حکومت داری نوین مطرح است\_ در این زمینه کم کاری قابل توجهی کرده است. شاید اجماع اساتید در عرصه های مختلف نظیر باستان شناسی، جامعه شناسی و علوم دینی و اسلامی بتواند به کمال این مقوله از باستان شناسی کمک شایانی کند. مقاله ی پیش رو می تواند به عنوان نخستین پلکان رسیدن به دیدی جامع پیرامون مبحث جنسیت در باستان شناسی اسلامی، مورد استفاده ی سایر پژوهشگران قرار گیرد. از آنجایی که مطالعه ی مبانی نظری، زمینه ساز انجام پژوهش های موردی و ملموس خواهد بود، این پژوهش می تواند زمینه ی مناسب جهت آشنایی با ذهنیت اسلامی پیرامون جنسیت را فراهم آورد تا بتوان در کنار آن تحقیقات دقیق تر و کامل تری در مورد نقش اجتماعی زنان، نقش و عملکرد آنها در خانواده و سایر موارد در دوره های مختلف اسلامی هزار و چهارصد ساله، صورت گیرد.



Sponsored and indexed by  
**CIVILICA**  
We Respect the Science





## فهرست ماخذ:

- ۱- اسماعیلی، رضا (۱۳۷۹). فرهنگ و جنسیت، مجله فرهنگ اصفهان، شماره ۱۷ و ۱۸، ۱۶۸-۱۸۴.
- ۲- باقری، شهلا (۱۳۸۹). راهبرد نظریه پردازی در جامعه شناسی جنسیت و جامعه شناسی خانواده، مجله مطالعات راهبردی زنان، سال سیزدهم، شماره ۵۰، ۲۲۹-۲۵۹.
- ۳- بستان (نجفی)، حسین (۱۳۸۸). نقش های جنسیتی از دیدگاه اسلام با نگاهی به علوم اجتماعی، هویت و نقش های جنسیتی مجموعه مقالات. به کوشش محمدرضا زیبایی نژاد، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان ( به سفارش مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری)، تهران: مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
- ۴- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). زن در آینه ی جمال و جلال، تاریخ دسترسی: ۲۰۱۵/۵/۱۴ [azahra.hodat.ir](http://azahra.hodat.ir)
- ۵- سجادی، سید مهدی (۱۳۸۴)، فمینیسم در اندیشه ی پست مدرنیسم، مطالعات راهبردی زنان، سال هشتم، شماره ۲۹.
- ۶- دارک، کن-آر (۱۳۸۷). مبانی نظری باستان شناسی، ترجمه کامیار عبدی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۷- درگاه اینترنتی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، [www.chn.ir](http://www.chn.ir). تاریخ دسترسی: ۱۳۹۴/۵/۵.
- ۸- زیبایی نژاد، محمدرضا (۱۳۸۸). تفاوت ها، هویت و نقش های جنسیتی، مجموعه مقالات، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان ( به سفارش مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری)، تهران: مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
- ۹- گرت، استفانی (۱۳۸۳). جامعه شناسی جنسیت، ترجمه کتابیون بقایی، نشر دیگر، تهران.
- ۱۰- نیکنامی، کمال الدین، سعیدی هرسینی، محمدرضا و دژم خوی، مریم (۱۳۹۰). درآمدی بر تاریخچه ی مطالعات زنان در باستان شناسی، زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۲، شماره ۳، ۵-۱۷.
- ۱۱- ولی پور، حمیدرضا (۱۳۸۷). درآمدی بر باستان شناسی اجتماعی، مجله باستان پژوهی، شماره ۴، ۱۲-۱۵.

## Bibliography

- ۱۲- Al Khayat ,M, H(۲۰۰۳). *Woman in Islam and her role in human development*, World Health Organization Regional Office for the Eastern Mediterranean Cairo.
- ۱۳- *Applications of Gender Archaeology: The Invisible Third-Gender*, Available from: <http://ir.nmu.org.ua/bitstream/handle/2015/4/17> تاریخ دسترسی:
- ۱۴- Bacchi ,Carol . Eveline, Joan.(۲۰۱۰). *Mainstreaming politics : Gendering practices and feminist theory*, edited by, Published in Adelaide by University of Adelaide Press ,Barr Smith Library, The University of Adelaide, South Australia.© ۲۰۱۰ Carol Bacchi, Joan Eveline and the contributors.
- ۱۵- Badawi, Jamal.A (۲۰۱۴).*The Status of Woman in Islam*, Available from: [http:// www.thepenwrote.com](http://www.thepenwrote.com) ۲۰۱۵/۴/۳ تاریخ دسترسی:
- ۱۶- Badawi, Jamal A. (۲۰۱۴).*Gender Equity in Islam*, Ph.D.World Assembly of Muslim Youth WAMY Studies on Islam, Available from: [http:// www.sultan.org](http://www.sultan.org) ۲۰۱۵/۴/۱۲ تاریخ دسترسی:







- ۱۷- Claassen, Chery (۲۰۱۴). *Gender and Archaeology, Reserch Frontiers*, ۱-۲۰. Available from: <http://wps.prenhall.com> تاریخ دسترسی: ۲۰۱۵/۴/۷
- ۱۸- Conkey, Margaret. W. (۲۰۰۷) *Questioning Theory: Is There a Gender of Theory in Archaeology?*, J Archaeol Method Theory. ۲۸۵- ۳۱۰
- ۱۹- Darvishpour, Mehrdad (۲۰۰۳), "Islamic feminism": *compromise or challenge to feminism?*, Published in "Iran bulletin- Middle East Forum, p ۵۵-۵۸.
- ۲۰- Engelstad, Ericka (۲۰۰۷), *Much More than Gender, J Archaeol Method Theory* ۱۴:۲۱۷-۲۳۴.
- ۲۱- *Feminism and Greek Archaeology: An Encounter Long Over-due*, Available from: <http://www.archaeology-gender-europe.org> تاریخ دسترسی: ۱۶/۵/۲۰۱۵
- ۲۲- Gilchri st, Roberta (۱۹۹۹), *Gender and Archaeology, Contesting the past*, by Routledge ,London.
- ۲۳- Hooks, bell (۲۰۰۰), *Feminism Is For Everybody. Passionate Politics*, Canada, South End Press Cambridge.
- ۲۴- Mahmood ,Saba (۲۰۰۴), *Politics of Piety*, is published by Princeton University Press and copyrighted, ©, by Princeton University Press. ۱-۳۹.
- ۲۵- Motahhari, Morteza (۱۹۹۸). *The Rights of Women in Islām*, WOFIS (World Organization for Islamic Services), Tehran - Iran. Presented by [www.ziaraat.com](http://www.ziaraat.com)
- ۲۶- Nelson ,Milledge, Sarah. *Introduction Archaeological Perspectives on Gender*. Available from : <http://chapters.rowmanlittlefield.com> تاریخ دسترسی: ۱۶/۵/۲۰۱۵
- ۲۷- Niknami, Kamal Aldin (۱۹۹۹) *Methodological Aspects of Iranian Archaeology Past and Present*, Department of Archaeology and Prehistory, University of Sheffield.
- ۲۸- Renfrew, Colin, Bahn, Paul (۲۰۰۵), *Archaeology The Key Concepts*. Routledge is an imprint of the Taylor & Francis Group.
- ۲۹- Skogstrand (۲۰۱۱), *Lisbeth Is Androcentric Archaeology Really About Men?*, *Archaeologies* Volume ۷ Number ۱ April.
- ۳۰- Whitcher, Rochelle S (۱۹۹۹). Lieutenant, United States Navy .*The Effects of Western Feminist Ideology on Muslim Feminists*, B.A, University of San Diego. Submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of, master of arts in national security affairs from the naval postgraduate school, March ۲۰۰۵.
- ۳۱- Wylie, Alison (۱۹۹۷), *The Engendering of Archaeology Refiguring Feminist Science Studies Author(s)*, Source: Osiris, ۲nd Series, Vol. ۱۲, Women, Gender, and Science: New Directions, pp. ۸۰- ۹۹ .Published by: The University of Chicago Press on behalf of The History of Science Society.



Surf and download all data from SID.ir: [www.SID.ir](http://www.SID.ir)

Translate via STRS.ir: [www.STRS.ir](http://www.STRS.ir)

Follow our scientific posts via our Blog: [www.sid.ir/blog](http://www.sid.ir/blog)

Use our educational service (Courses, Workshops, Videos and etc.) via Workshop: [www.sid.ir/workshop](http://www.sid.ir/workshop)